

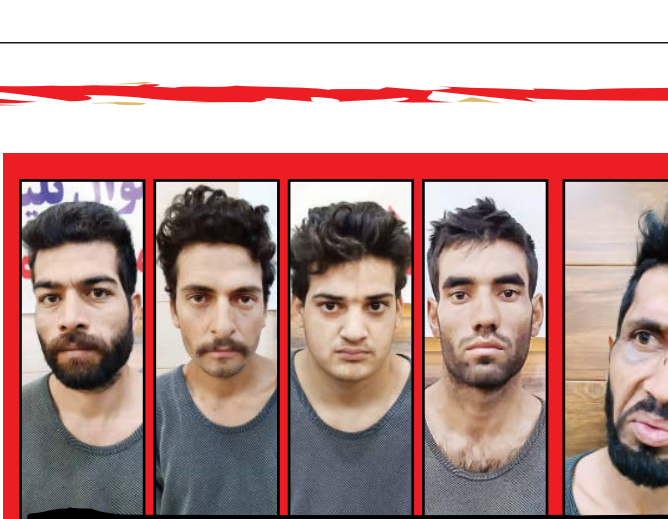
دستگیری

کلاهبردار حرفه‌ای

در تهران

رئیس پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری کلاهبردار حرفه‌ای با گذرگد سوه‌استفاده از عناوین دولتی در تهران خبر داد. به گزارش جام‌جم، سرهنگ کارآگاه علی ولییوگودرزی اظهار کرد: با وقوع کلاهبرداری‌های متعدد از شهروندان در تهران، رسیدگی به پرونده در دستور کار تیمی زبده از کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی قرار گرفت. باتوجه به حساسیت موضوع، کارآگاهان وارد عمل شدند و در تحقیقات میدانی خود پی بردند، یک مرد میانسال با جعل عنوان مامور نظامی بازنشسته بلندمرتبه خود را

به افرادی که دچار مشکلات اداری بودند، معرفی و برای حل مشکلات از آنها پول‌های زیادی دریافت کرده است. وی عنوان کرد: کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم و اقدامات علمی، هویت کلاهبردار حرفه‌ای را شناسایی کردند و متوجه شدند وی سابقه‌دار است. کارآگاهان پس از دریافت این سرخ مهم و با اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات گسترده میدانی، موفق به شناسایی متهم شدند و وی را در یک عملیات منسجم با دستور مقام قضایی دستگیر



۱۰مرد افغان پس از ورود غیرقانونی به ایران باند سرقت خشن تشکیل دادند

حمله باند وحشت به مهمانی‌های خانوادگی

۱۰ مرد افغان که غیرقانونی به ایران آمده بودند، با تشکیل باند خطرناک سرقت مسلحانه از ویلا، علاوه بر ایجاد رعب و وحشت برای مهمانان ویلاهای البرز، طلا و گوشی‌های تلفن همراه آنها را سرقت می‌کردند. اعضای باند «وحشت» بعد از چهارمین سرقت خود در دام پلیس گرفتار شدند. این در حالی است که ردپای آنها در سرقت‌های مشابه در اطراف تهران به دست آمده است. اعای این باند برای این‌که رمز گوشی‌ها را از مالباختگان بگیرند، با اسلحه کودکان را تهدید می‌کردند.

محمد غمخور
دبیر گروه حوادث

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اوایل آذر امسال و با گزارش سرقت از ویلایی در استان البرز آغاز شد. بررسی‌ها مشخص کرد، در این ویلا مهمانی خانوادگی برگزار شده بود که دزدان شبانه به آنجا حمله کرده و با تهدید مهمانان، گوشی‌های تلفن همراه آنها را سرقت کرده بودند.

این پرونده وقتی رنگ جدی به خود گرفت که ۱۷ آذر امسال با گزارش سرقت مسلحانه از ویلایی در منطقه اسکوپی شهرستان فردیس، کارآگاهان پلیس آگاهی البرز دریافتند با باندی خشن روبه‌رو هستند که سرقت‌های سریالی در استان را آغاز کرده‌اند. در آن شب مرد جوانی وحشت‌زده در تماس با پلیس از حمله دزدان مسلح به ویلای پدرزنش در این منطقه خبر داد. کارآگاهان مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی در محل سرقت حضور یافتند و علاوه بر وحشت مهمانان ویلا، با به هم ریختگی وسایل آنجا روبه‌رو شدند.

مرد جوانی که با پلیس تماس گرفته بود، در تحقیقات گفت: «امشب در ویلای پدرزنم، مهمانی خانوادگی داشتیم. حدود ساعت یک بامداد هفت مرد افغان با قمه و چاقو وارد ویلا شدند و با تهدید و سر و صدا باعث وحشت ما شدند. آنها دست مردان جوان را با دستبندهای پلاستیکی بستند و با چاقو و ضرب و جرح، تلفن‌های همراه و مطلاهای زنان را سرقت کرده و گریختند.»

با بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل سرقت، مشخص شد دزدان خشن با نفر بودند که ابتدا یک نفر از بالای دیوار وارد ویلا شده و در راباز کرده بود. هفت نفر از اعضای این باند با چاقو و قمه به داخل ویلا حمله‌ور شده و سه نفر دیگر مقابل در ایستاده و تشکیک می‌دادند.



به افرادی که دچار مشکلات اداری بودند، معرفی و برای حل مشکلات از آنها پول‌های زیادی دریافت کرده است. وی عنوان کرد: کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم و اقدامات علمی، هویت کلاهبردار حرفه‌ای را شناسایی کردند و متوجه شدند وی سابقه‌دار است. کارآگاهان پس از دریافت این سرخ مهم و با اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات گسترده میدانی، موفق به شناسایی متهم شدند و وی را در یک عملیات منسجم با دستور مقام قضایی دستگیر

کردند. این مقام انتظامی تصریح کرد: متهم پس از انتقال به اداره چهاردهم پلیس آگاهی به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری از شهروندان با جعل عنوان مامور بازنشسته نظامی اعتراف کرد. رئیس پلیس آگاهی تهران با بیان این‌که از مخفیگاه متهم لباس نظامی و سربرگ ارگان‌های نظامی کشف شده است، خاطرنشان کرد: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی، متهم برای کشف جرایم احتمالی و شناسایی سایر شکات در اختیار کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی قرار گرفت.



فکر نمی‌کردیم دستگیر شویم

اسد ۳۲ ساله، سرکرده و طراح این باند است. مردی که وقتی نتوانست در کشورش کاری مناسب پیدا کند، راهی ایران شد و باند «وحشت» را تشکیل داد و مدت‌ها کابوس خانواده‌هایی بود که به ویلای آنها حمله کرده بود. در حالی که همدستانش می‌گویند به پیشنهاد او وارد باند شده‌اند اما اسد مدعی است خودش توسط یک افغان دیگر به نام سمیع عنو باند سرقت شده است. اسد دیروز در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم به شرح جزئیات سرقت‌ها پرداخت.

۱. اهل کجایی؟

افغانستان.

۲. بقیه اعضای باند هم اهل افغانستان هستند؟

بله.

۳. چرا به ایران آمدی؟

کاری در کشورم پیدا نکردم و ۲۵ روز قبل به صورت غیرقانونی به ایران آمدم تا کاری کنم اما با سمیع آشنا شدم و او خواست در باندش همکاری کنم. من هم چون کاری نداشتم قبول کردم.

۴. سمیع کجاست؟

به افغانستان فرار کرد.

۵. به چند ویلا دستبرد زدید؟

۶. چطور سرقت می‌کردید؟

هموطنانم که به عنوان سرایدار و نگهبان کار می‌کنند، آمار ویلاهایی را که در آن مهمانی برگزار شده بود، به ما می‌داد. ما هم شبانه و به صورت گروهی به آنجا حمله می‌کردیم. تعدادمان زیاد بود و اسلحه و قمه داشتیم به همین دلیل در برابرمان مقاومت نمی‌کردند. گاهی نیز از نقاب‌های شیطانی استفاده می‌کردیم تا بیشتر باعث وحشت شویم.

۷. چه اموالی را سرقت می‌کردید؟

فقط گوشی و طلا سرقت می‌کردیم. سمیع گوشی‌ها را به افغانستان می‌برد و آنجا می‌فروخت.

۸. از هر سرقت چقدر گیرتان می‌آمد؟

حدود سه تا پنج میلیون تومان.

۹. هر چند وقت یک بار سرقت می‌کردید؟

دو هفته یک بار.

۱۰. در تهران هر سرقت کردید؟

نه. فقط همین چهار سرقت بود.

۱۱. اما ردپایتان در پرونده‌های آزار و اذیت زنان هم پیدا شده؟

نه این را قبول ندارم.

۱۲. فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه حرف‌های عمل می‌کردیم.

۱۳. تا چه زمانی قرار بود به سرقت‌ها ادامه بدهید؟

و ضمعان خوب می‌شد به افغانستان برمی‌گشتیم.

حوادث

۱۹

INCIDENT

پنجشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۴۰۵

کوتاه از حوادث

قتل کودک به دست نامادری

نامادری جوان که به محبت‌های شوهرش به پسر خردسال خود حسادت می‌کرد او را با ضربه‌های میله آهنی به قتل رساند و بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی استان هرمزگان در این باره گفت: پس از وقوع فوت مشکوک پسر ۷ ساله‌ای در یکی از محله‌های بندرعباس تحقیقات ماموران کلانتری ۱۱ در این رابطه آغاز شد. بنابه اظهارات نامادری کودک و برخی همسایه‌ها، پسر خردسال به علت گیر کردن میان دیواره آسانسور مجروح شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. ماموران در محل حادثه حاضر شدند و آنجا را مورد بررسی قرار دادند و معلوم شد مرگ او نمی‌تواند بر اثر یک حادثه باشد و به احتمال زیاد به قتل رسیده است. در تحقیقات بعدی مشخص شد که پسر خردسال با پدر و نامادری‌اش در طبقه پنجم ساختمان زندگی می‌کردند. ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح به مدرسه رفته و ۱۲ و ۴۰ دقیقه به خانه بازگشته است. ۱۰ دقیقه بعد پیکر او را در آسانسور یافتند. در تحقیقات بعدی از سوی کارشناسان آتش‌نشانی و فنی آسانسور معلوم شد که آسانسور خراب نبوده است. وی ادامه داد: نامادری کودک بازداشت و بعد از ضدونقیض‌گویی سرانجام اعتراف کرد. با تحقیق از وی معلوم شد شوهرش به پسر خود توجه زیادی داشته و همین باعث شده که این زن گمان ببرد که شوهرش به او کم‌توجهی دارد. کودک را رمانتی در سر راه زندگی‌اش می‌دید. آن روز با برداشتن میله تی‌شکل از جعبه ابزار شوهرش کودک را پیش از پیاده‌شدن از آسانسور در طبقه پنجم با هشت ضربه کشته و با صحنه‌سازی می‌خواسته مرگ او را حادثه نشان دهد که موفق نشده بود.

امداد رسانی به گرفتاران در برف



سرپرست سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از امدادرسانی به بیش از ۱۰ هزار نفر متاثر از برف و کولاک در کشور خبر داد.

به گزارش جام‌جم، محمودی با اشاره به آب‌رفتگی و کولاک در ۳۱ استان کشور افزود: از روز یکشنبه ۱۸ دی تا ساعت ۱۲ ظهر چهارشنبه امدادرسانی در ۲۳ استان انجام شده است. ۱۷۴۸ نفر اسکان اضطراری پیدا کردند، به ۱۰ هزار و ۲۰۶ نفر از شهروندان امدادرسانی شده که ۲۵۵ نفر از آنها به مناطق امن و ۱۸ نفر نیز به مراکز درمانی منتقل شدند. سه نفر از هموطنان نیز بر اثر سیل در شهرستان فسا و ریزش آوار در شهرستان موانجان، فوت شدند. در این مدت ۶۹۰ خودرو از برف راه‌سازی و آب‌گرفتگی در ۵۱ خانه مسکونی نیز تخلیه شد.

قصاص فرجام قتل مرد رمال

قصاص و ۲۰ سال زندان مجازات یک مرد جوان و دو دوست متعادلش بود که با همدستی هم، مرد رمالی را به قتل رسانده و یک میلیون تومان از او سرقت‌کرده بودند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماجرای این پرونده مربوط به اواخر پاییز سال گذشته و مرد ۵۱ ساله‌ای به نام ولی است که از دو یا فلج بود و رمالی می‌کرد. یکی از دوستانش به نام حسین با پلیس تماس گرفت و گفت ولی چند روز است جواب تلفنش را نمی‌دهد. ماموران وارد خانه او شدند و جسد ولی را در حالی پیدا کردند که پارچه‌ای دور دهانش پیچیده شده بود. بررسی‌ها نشان می‌داد پول‌های او سرقت شده است. در جریان تحقیقات یکی از دوستان ولی به نام نعیم به قتل با همدستی دو نفر دیگر اعتراف کرد و گفت: «می‌دانستم در خانه پول دارم. من و دو نفر از دوستانم به نام‌های مهرداد و سعید به خانه او رفتیم. با کمک آنها دست و دهانش را بستیم و بعد یک میلیون تومان پیدا کردیم.» با اعتراف نعیم به قتل، دو همدست او دستگیر شدند و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: «قربانی افغان است و نتوانستیم اولیای دم او را پیدا کنیم. رئیس قوه قضاییه برای قاتلان او درخواست قصاص کرده است. نعیم در جایگاه متهم گفت: «من دو دوستانم فقط برای سرقت رفتیم و قصدکشتن او را نداشتم. دهانش را من بستم اما فکر نمی‌کردم پارچه باعث خفگی ولی شود. از قتل دوستم پشیمانم.» مهرداد و سعید هم در دفاع گفتند: «ما پول مواد نداشتم. نعیم پیشنهاد سرقت داد و قبول کردیم. من و سعید دست‌های ولی را گرفتیم و نعیم پارچه را دور دهانش پیچاند. سعید هم گفته‌هایش را تاپید کرد و گفت نقشی در قتل نداشته‌اند. قضات با توجه به مدارک پرونده، نعیم را به قصاص و مهرداد و سعید را به اتهام معاونت در جنایت هر کدام به ۱۰ سال زندان محکوم کردند.

عدلیه

ربودن پسر دایی برای اخاذی ۴ میلیاردی



می‌خواهد پسر آنها را زندانی کند تا به طلبش برسد. ۲۰۰ میلیون اولیه را تقسیم کردیم و قرار بود بعد از گرفتن تمام پول از خانواده گروگان به اروپا بروم که دستگیر شدیم. در ادامه شهرام نیز درباره ربودن پسر دایی‌اش گفت: وضع مالی دایی‌ام خوب بود و طمع به جانم افتاده بود که پسرش را ربوده و از او چهار میلیارد تومان اخاذی کنم. به دروغ به دوستانم گفتم آن مرد جوان و پدرش به من به‌هکارند و پولم را نمی‌دهند. بعد از ربودن شهرام دوستم طراح ماجرا باها ما به من، پدرم و نفر آخر نگفته بود گروگان پسر دایی‌اش است. به ما گفته بود با این خانواده اختلاف مالی دارد مدت‌هاست طلبش را نمی‌پردازد. حالا

آزادی‌اش چهار میلیارد تومان پول با معادل آن دلار و سه‌گانه باید پرداخت کنند.

با شکایت این خانواده قاضی محمد مهدی براعه، بازرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران دستور تحقیقات برای دستگیری آدم‌ربا صادر کرد. در تحقیقات بعدی معلوم شد او آخرین بار حوالی بیمارستان دیده شده که فیلم دوربین‌های آنجا بازبینی و مشخص شد، بعد از آن سوار برایدش شد تا راهی خانه شود که ناپدید شد. خانواده‌اش به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران رفتند و برای یافتن او کمک خواستند. در حالی که ماموران در پی وی بودند، خانواده شاکی دیواره به پلیس آگاهی آمده و گفتند که فردی با آنها تماس گرفته و اعلام کرده پسرشان را ربوده و در برابر



مرد جوان که به طمع اخاذی چهار میلیارد تومانی از دایی‌اش نقشه ربودن پسر ۲۳ ساله او را با سه همدستش اجرایی کرده بود، همراه آنها بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه دهم دی امسال پسر ۲۳ ساله‌ای عمویش را برای بستری شدن به یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران برد. بعد از آن سوار برایدش شد تا راهی خانه شود که ناپدید شد. خانواده‌اش به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران رفتند و برای یافتن او کمک خواستند. در حالی که ماموران در پی وی بودند، خانواده شاکی دیواره به پلیس آگاهی آمده و گفتند که فردی با آنها تماس گرفته و اعلام کرده پسرشان را ربوده و در برابر

محکمه

بررسی شلیک مرگبار پلیس در دادگاه جنایی

«قصدکشتن کامبیز را نداشتم و فقط می‌خواستم او را متوقف‌کنم.» این بخشی از دفاعیه یک مامور پلیس در دادگاه کیفری تهران است که در جریان بازداشت متهم در منطقه نعمت‌آباد به او شلیک کرد و باعث مرگش شد. اولیای دم برای مامور پلیس درخواست قصاص کردند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، زمستان سال ۹۹ ماموران پلیس هنگام گشت‌زنی در یکی از خیابان‌های نعمت‌آباد به خودروی پراید پارک شده در حاشیه خیابان مشکوک شدند و تصمیم گرفتند آن را بررسی‌کنند. راننده پراید به نام کامبیز که متوجه ماموران شده بود، سوار خودرو شد تا فرار کند. استعلام پلاک پراید نشان می‌داد ماشین سرقتی است. راننده برای فرار دنده عقب حرکت کرد و به ماشین پلیس‌کوید. یکی از ماموران به نام جواد به متهم ایست داد. اما کامبیز ۳۵ ساله فقط به فرار فکر می‌کرد. پلیس سه تیر هوایی شلیک کرد و بعد لاستیک پراید را نشانه گرفت، اما یکی از تیرها به قلب کامبیز اصابت کرد و با وجود انتقال به بیمارستان به دلیل شدت خونریزی جان خود را از دست داد.